

بسم الله الرحمن الرحيم

عقیده پیدایش جهان و نظریه انفجار بزرگ

(قسمت اول)

(ترجمه)

مسئله پیدایش جهان مطرح می‌گردد. آن چه در این مسئله مورد بحث قرار می‌گیرد، این است که آیا جهان آغازی دارد؟ یا جهان ازلی می‌باشد؟ از همان زمان که فلسفه ایجاد شد، فلاسفه نیز ظهور نمودند. برخی از فلاسفه به وجود خالق برای جهان ایمان داشتند و برخی قایل بر این بودند که حیات و کائنات ازلی می‌باشند. مسلمانان به وجود خالق برای کائنات، انسان و حیات و این که وجود خالق حتمی لازمی است، با تفکر عقلانی ایمان دارند و قرآن کریم نیز مسلمانان را به سوی این ایمان جهت داده است.

کلیساها در غرب بدون تفکر عقلانی، ایمان به وجود خالق را بر مردم تحمیل می‌نمودند. زمانی که دین از زندگی جدا شد، مسئله پیدایش جهان در ساحات علمی مطرح شد. علماء خواستند این مسئله را از طریق علمی حل نمایند، چنین شد که نظریه انفجار بزرگ و انبساط جهان به عنوان تفسیری برای پیدایش جهان و آغاز حیات در روی زمین مطرح شد. برخی از علماء و فلاسفه ملحد می‌گفتند هر آن چه موجود است، مادی می‌باشد و هر آن چه غیرمادی بوده و علم آن را درک نکنند، موجودیتی ندارد. به این طریق استدلال نمودند که علم مثبت وجود خالق نیست، بنابراین، جهان ازلی می‌باشد. جدیداً برخی از متفکرین مسلمان می‌خواهند از طریق علمی، نظریات علمی را که علمای فزیک و نجوم در مورد پیدایش جهان مطرح نمودند، برای اثبات وجود الله و درستی عقیده اسلامی کار گیرند. بناءً بر طریق علماء خلقت‌گرایی گام گذاشته و بسیاری از آیات را برای تطابق نظریات علمی تأویل نمودند. در نتیجه افکاری را تولید نمود که مخالف عقیده اسلامی می‌باشد؛ چون این طریقه تحقیق مخالف طریقه تفکر عقلانی و مخالف واقعیت قرآن و طریقه درست استدلال می‌باشد.

مقدمه:

از مسائلی که از زمان ایجاد فلسفه و ظهور فلاسفه در خصوص آن به کثرت جدال صورت گرفته، مسئله پیدایش جهان، چگونگی پیدایش جهان و آن چه در آن وجود دارد بوده و این که آیا جهان آغازی دارد و یا ازلی می‌باشد؟ و این که چرا کائنات، حیات و انسان بوجود آمده اند؟ این سوالات، سوالات کلیدی می‌باشند که گره‌ای بزرگی را روی دست انسان قرار می‌دهند، به علاوه سوال‌هایی که در خصوص حیات مطرح می‌شود، این که حیات چیست؟ و ارتباط حیات به ماقبل و مابعد آن چیست؟ این سوال‌ها، سوال‌های طبیعی هستند که برای هر فردی که به مرحله پختگی عقلی رسیده باشد، ایجاد می‌شود. این در حالی است که رسیدن به جواب‌های قناعت‌بخش برای عقل و موافق فطرت برای هر فردی که فطرت آن به خزعبلات فلاسفه ملوث نشده باشد، سهل و میسر می‌باشد.

اما فلسفه و فلاسفه در خصوص این مسئله فرضیه‌های زیادی را وضع نموده و باعث جدال بزرگی شده است. این جدال در بین گروهی که می‌گویند جهان مخلوق خالق می‌باشد، و بین گروهی که می‌گویند جهان و حیات ازلی اند، در دوران است.

در صورت تفکر عقلانی در خصوص کائنات، انسان و حیات، ایمان به خالق واجب الوجود به دست می‌آید. خالقی که موصوف به صفات جلال و کمال لازمه برای آن می‌باشد، مانند و حدانیت، الوهیت، علم و قدرت. به تفکر عقلانی دانسته می‌شود که نباید خالق متصف به اوصاف نقص باشد مانند نیاز به غیر و یا این که خالق مخلوق خود باشد. ایمان به این طریق گره بزرگی را باز نموده، عقل را قناعت داده مطابق فطرت انسان بوده و قلب را مملوء از آرامش می‌گرداند. در این صورت انسان به هیچ دلیل دیگری نیاز نداشته و هیچ گونه شکی به سراغش نخواهد آمد. به همین سبب است که این جدال در ساحات اسلامی شایع نمی‌باشد. تفکر عقلانی که اسلام بدان امر نموده، برای ساکت نمودن تمام افکار الحادی کافی می‌باشد؛ اما در غرب رجال دین به وجود خالق از باب تسلیم قایل اند، نه با طریقه تفکر عقلانی آنان خالق را از اوصاف نقص مانند نیاز به فرزند و تقسیم خالق به (پدر، پسر و روح القدس) منزّه نمی‌دانند. آنان تفکر عقلانی صحیح را در تمام امور دین از جمله ایمان به خالق ممنوع قرار دادند و هرکسی که در امور دین تفکر می‌نمود، مورد ستم و آزار و اذیت قرار می‌گرفت. بدین سبب کشمکش‌ها در خصوص این مسئله در غرب به شدیدترین حالت خود قرار دارد، تا جایی که بسیاری از علماء متفکرین غربی به لزوم وجود خالق راه یاب شدند، لیکن به این باورند که آن خالق، خالقی غیر از خدای کلیسا می‌باشد، که متصف به صفات نقص است، گفته می‌شود که عالم مشهور فزیک نیوتن از جمله همین علماء بوده است.

در دهه‌های گذشته تقریباً یک قرن است که در دولت‌های غربی جدال در خصوص این مسئله، با ظهور مادی‌گرایی و علم‌گرایی افزایش یافته است. مخصوصاً پس از این که در تمام میدان‌ها انقلاب علمی پدیدار گشت، علم حلال بسیاری از مشکلات قرار گرفت، جوامع غربی از جدایی دین از حیات راضی شدند و رجال دین هر گونه معرفت یافگری بیرون از کلیسه را یک سوی نهاده بودند. همان زمانی که ملحدین مادی گراء در رأس آنان حزب کمونستی که توانست دولتی را بر اساس مفکوره الحادی مادی‌گرایی تأسیس کند. نظریه حاکم در میدان‌های فکری و علمی این شد که هرآن چه موجود است مادی می‌باشد و هرآن چه غیر مادی است، هیچ وجودی ندارد.

در غرب نیز بر مبنای مفکوره پیدایش جهان جریان‌های ظهور نمودند، گروهی بدون تحقیق فکری به وجود خالق ایمان دارند. این گروه پیروان کلیسا می‌باشند. گروهی به ازلی بودن ماده و ازلی بودن جهان و عدم نیاز به وجود خالق ایمان دارند. این گروه ملحدین مادی گراء می‌باشند. گروه سومی علم را در جایگاه خدا قرار داده به هیچ چیزی ایمان ندارند، مگر به چیزی که علم بتواند آن را ثابت کند تا این که علم به خود خود تبدیل به یک عقیده فلسفی شود که در خصوص کائنات، انسان و حیات دیدگاه خاصی دارد؛ علی‌رغم این که این گروه اکثراً به تفسیرات فلسفی غیبی (غیر علمی) در خصوص برخی از مشاهدات متکی می‌باشند. منشأ این نظریات عدم وجود جواب‌های قناعت بخش رجال کلیسا می‌باشد؛ همان‌طور نظریه ناقص مادی‌گرایی در خصوص حیات، که برخی را به جای رسانده که جز اشیاء محسوس هیچ چیزی دیگری را تصدیق نمی‌کنند، تا جایی که علماء نیز می‌خواهند که به

طریقه علمی بتوانند جوابی را به این مسئله بیابند؛ جوابی که به شکل نظریات علمی تفسیر کننده وجود جهان و حیات رنگامیزی شود.

نظریه انفجار بزرگ:

نظریه علمی حاکم در خصوص پیدایش جهان، نظریه "جهان در حال استقرار" است. این نظریه می‌گوید جهان دارای شکل کروی بوده. جهان از زمان پیدایش ثابت است و همواره هم‌چنان خواهد بود. این نظریه به این قایل است که جهان محدود بوده، نیاز به خالق دارد. نظریه دیگر نظریه "عالم نوسانی" (Oscillating universe) است. این نظریه می‌گوید جهان منفجر و منبسط می‌شود، سپس انرژی خود را در انبساط تمام می‌کند و نیروهای جاذبه بر آن غلبه می‌کنند. بنابراین دوباره خورد و کوچک می‌شود، سپس دوباره منفجر می‌شود و این عملیه هم‌چنان ادامه خواهد داشت. بنا بر این نظریه، می‌پندارند که جهان ازلی است. در این جا نظریه تجدید خلقت نیز وجود دارد. سپس نظریه انبساط جهان و انفجار بزرگ مطرح گردید؛ طوری که مشاهدات ایجاد شد که بیانگر انبساط جهان و درو شدن کهکشان‌ها از یکدیگر بود. گفتگوها در خصوص این نظریه در 1929م آغاز یافت.

نظریه انبساط جهان می‌گوید دور شدن کهکشان‌ها از یک دیگر، به سبب حرکت آن‌ها به جهات مختلف نیست، بل فضایی که کهکشان‌ها در آن قرار دارند، در حال توسعه انبساط بوده و در آینده مسافت بین کهکشان‌ها افزایش بیشتری خواهد یافت. اما این در حالی است که دانشمندان نه فضای (کائنات) را در حال انبساط دیده اند و نه کهکشان‌ها را در حال دور شدن از یکدیگر دیدند و نه شاهد افزایش فاصله بین ستاره‌ها می‌باشند. آنان صرفاً از تحلیل جهت نور که از ستاره‌ها و کهکشان‌های دور می‌آید، قایل به این نظریه اند. از آن‌جا که آن‌ها متوجه تغییر طیف مرئی نور از آبی بنفش به قرمز شدند، چنین نتیجه گرفتند که منبع نور از ما دور است، یعنی ستاره‌ها و کهکشان‌ها از ما دور اند؛ بعد گفتند از آن‌جا که جهان امروز در حال انبساط است، ناچار باید در گذشته کوچک‌تر از چیزی باشد که امروز هست و این که ستاره‌ها و کهکشان‌ها بیشتر از امروز به ما نزدیک بودند. بنا بر این، آن‌ها یک تصویر زمانی معکوسی از انبساط ترسیم کردند که در آن کهکشان‌ها نزدیک به هم هستند و سپس نزدیک‌تر می‌شوند. تا زمانی که نیروی جاذبه آن‌ها را به یک جرم واحد تبدیل می‌کند، سپس شدت نیروی جاذبه آن‌ها را فشرده می‌کند تا ماده جهان بسیار کوچک و بسیار متراکم می‌شود، به اندازه‌ای که آن را منفرد (تنها و مجرد) نامیده اند. دانشمندان آن را در ابتداء به اندازه یک تخم مرغ تخمین زدند، یا به اندازه سر سوزن و بعداً برخی به اندازه یک ذره و یا به اندازه هیچ چیز تخمین زدند. بالاخره آخرین تخمین‌ها این است که حدود یک میلیون میلیارد میلیارد متر است. یعنی کمتر از 10^{33} سانتی متر این همان چیزی است که در فیزیک به آن طول پلانک می‌گویند.

این دانشمندان در تخمین عمر جهان، مدت زمانی که جهان در آن قرار دارد، نیز اختلاف نمودند. در ابتداء 25 میلیارد سال تخمین زدند، سپس مدت زمان تخمین‌ها به 13.7 میلیارد سال رسید. این دانشمندان می‌گویند؛ در لحظه که در آن دیروزی نبوده است (یعنی لحظه صفر چون در آن زمان و مکانی نبوده است)، منفرد (تنهای مجرد) همان جرمی که در نهایت کوچکی بوده و در

درانتهای تراکم قرار داشته است، منفجر می‌شود تا این که اجزاء آن از هم دور شده سپس ذرات، ستاره‌ها، عناصر و مرکبات از آن تشکیل می‌شود.

بدین ترتیب در سال 1948م بر نظریه پیدایش جهان اصطلاح انفجار بزرگ و یا (Big Bang) اطلاق شد. با این‌آگاهی که کسانی که این نام را بر این نظریه اطلاق نمودند، به آن قناعت کامل نداشتند، بلکه این نامگذاری از باب تمسخر صورت گرفته بود؛ اما به عنوان نامی برای این نظریه شیوع یافت. دانشمندان این نظریه به جستجوی دلایل علمی برای حمایت از این نظریه ادامه دادند، پس مشاهدات مربوط به امواج ریز (مایکروویو) ناشی از تشعشعات خلفی کیهانی در سال 1965م و بقایای فوتون‌ها و هلیوم را مشاهده کردند، که آن‌ها را دلایلی بر صحت نظریه انفجار بزرگ دانستند.

قابل یادآوری است که نظریه دیگری نیز وجود داشت که به عنوان جایگزینی برای نظریه انفجار بزرگ مطرح گردیده بود، آن نظریه یک جهان ثابت و خلقت مستمر است. این نظریه قائل به ازلی بودن جهان بود که در نیمه قرن بیست شیوع یافت و به مرگ کسانی که به آن قایل بودند و به دلیل نبود طرفداران جدید برای آن در پایان قرن بیست از بین رفت.

سپس کسانی که به انفجار بزرگ باور قایل بودند، بر این فرض شدند که در لحظات اولی انفجار بزرگ اشیائی بوده که در جهان امروز وجود ندارند؛ لیکن وجود آن‌ها مرحله‌ای بوده است؛ مانند: ذرات نوترینو، کوارک‌ها، ماده و ضد ماده. به همین ترتیب، کسانی که به انفجار بزرگ باور قایل اند، سرعت انبساط جهان را، همان‌طور درجات حرارت، فشار و دیگر تغییرات فیزیکی را در هر مرحله محاسبه و فرض بر این گذاشتند که وجود ابزارآلاتی برای تشکیل اتم‌ها و عناصر در قلب ستاره‌ها بسیار ضروری بوده است. بنابر این، در سطح زیراتمی گفتند که ذره‌ای به نام نوترینو وجود دارد که از اولین شکافتن جرم بی‌نهایت کوچک حاصل شده و سپس در حال متلاشی شدن است تا یک پروتون و یک الکترون را شکل دهد. همین‌طور گفتند که در آن‌جا ماده و ضد ماده نیز در بین آن‌ها ایجاد شده است که در نتیجه، یک سری واکنش‌ها و درهم‌جوشی‌های هسته‌ای رخ داده است که اتم‌ها و عناصر را تولید کردند.

این محاسبات جزئیات بسیار دقیقی را ارائه می‌کنند که در آن‌ها پیچیدگی و تکلف زیادی برای عملیه شکل‌گیری همه چیز در جهان وجود دارد، اما همین که مسئله پدیدار می‌شود که توضیح آن دشوار است یا مانعی در مسیر این عملیه ایجاد می‌شود، می‌بینید که در تسلسل و پی‌هم آمدن و قایع، فرضیاتی مطرح می‌گردد که خلاقان را به گونه‌ای پر کنند که تا حد ممکن با آن قوانین سازگار بوده و بر این موانع غلبه کند.

واضح است، نظریه انفجار بزرگ که برای تفسیر مسئله پیدایش جهان و تکامل تدریجی آن مطابق قوانین طبیعت مطرح گردیده، به وضاحت دلالت بر این دارد که جهان آغازی دارد و هر آن‌چه آغازی دارد لابد نهایی هم دارد؛ از همین جهت دانشمندان به انتظار سناریوهای برای تغییراتی که به زودی در آینده جهان تا انتهای آن رخ خواهد داد، برخاستند. آن‌ها گفتند که قوانین طبیعت و فزیک امروز برای انبساط جهان کار می‌کنند و به زودی این قوانین به کار خویش ادامه داده و چندین احتمال در آینده نزدیک پیش روی خواهد بود، یا این که جهان تا بلانهایت به انبساط خویش ادامه خواهد داد و یا این که نوبت به نیروی جاذبه هم برای

توقف انبساط خواهد رسید و این که جهان به زودی در انتهای خود رسیده و برگشت بزرگی بر عکس انفجار بزرگ در راه خواهد بود، جهان افول کرده، کوچک شده و به تدریج متلاشی خواهد شد.

دانشمندان نجومی و حیات‌کسانی که به نظریه انفجار بزرگ قناعت دارند، این عملیه را جزء متکامل نظریه پیدایش جهان، حیات و تکامل تدریجی آن شمرده و آن را از این نظریه مجزاء نمی‌دانند. آن‌ها می‌پندارند که تکامل مفهوم گسترده و فراگیر دارد که در چندین واقعه‌ای بزرگ که از لحاظ زمانی پی‌درپی هم‌اند، ایجاد می‌شود، مانند این وقایع بزرگ:

1. تکامل فیزیکی نجومی که در آن جهان از عدم پیداشده و زمین شکل یافته و آماده گردیده است تا برای زندگی مناسب شود.

2. تکامل فیزیکی کیمیاوی که در آن ذرات از عناصر مختلف شکل یافته و برای تشکیل برخی از مرکبات کیمیاوی با هم تعامل می‌کنند. این دو نوع متعلق به پیدایش ماده و تکامل آن است.

3. تکامل بیولوژیکی که در آن حیات در مواد غیرحیه ایجاد شده و سپس تکامل یافته و باعث این تنوع و دگرگونی بزرگ در کائنات زنده از باکتری‌ها به پستانداران شده است، از جمله ظهور انسان. این نظریه، به نظریه داروینی مشهور می‌باشد. می‌گویند کسی که در یکی از این قضایای تحقیق نماید نمی‌تواند به جایی برسد و نباید قضایای دیگر را نادیده بگیرد. این قضایا مرتبط و متداخل یکدیگر می‌باشند، اگر چه در نگاه اول ظاهراً قضایای مختلف و جدا از هم به نظر می‌رسند.

مسئله دلالت نظریه انفجار بزرگ بر این که جهان آغازی دارد، علمای لاهوتی را دچار وجد نموده بود. از همین جهت است که روبرت جاسترو دانشمند فیزیکی نجومی در کتاب خود «اله و علوم نجومی» می‌گوید: «نسبت به جهانی که بر مسیر منطقی خویش گام گذاشته است، گویا ظاهراً قصه انفجار بزرگ به عنوان یک خواب ناراحت‌کننده پایان می‌یابد. جهانی که از کوه‌های جهل بالا رفته است، زمانی که به صخره نهائی به سوی قله برسد، مورد خوش آمدگوی لاهوتی‌های قرار می‌گیرد که قرن‌هاست در آن جا نشسته اند.» از همین جاست که کشمکش‌ها در بین لاهوتی‌ها و دانشمندان فلسفه در مورد تفسیر مسئله پیدایش جهان و تفسیر نظریه انفجار بزرگ ایجاد می‌شود. این مسئله باعث تفکیک بسیاری از عقاید، نظریات و موقف‌های شده که در غرب در مورد مسئله پیدایش و در این نظریه انفجار بزرگ وجود دارد. مهم‌ترین آن‌ها این سه مکتب می‌باشد:

1. **مکتب الحادی ماده‌گرایی و علم‌گرایی لادریه:** پیروان این مکتب می‌گویند جهان یا به خودی خود از عدم پیداشده و یا این که قدیم و ازلی بوده، آغازی ندارد، سپس به شکل تصادفی و بدون تدبیر قبلی به تدریج تکامل یافته و شایسته زندگی شده است و تمام حوادث مذکور تصادفی رخ داده است. انفجار بزرگ به کلیات و جزئیات و نتایج‌اش تصادفی بوده، همان‌طور تشکیل محیط مناسب زندگی بالای سیاره زمین و پیدایش حیات نیز تصادفی بوده است. بناءً نیازی نیست که قایل به خالق با اراده بوده و نیاز به وجود چنین خالقی هم نیست! این خصوصیت‌های مواد موجوده می‌باشد که در هر مرحله‌ای از مراحل تکامل جهان و قوانین فیزیک، در تکامل جهان و تشکیل ستاره‌ها و کهکشان‌ها تأثیرگذار بوده است؛ اگر این خصوصیت‌ها تغییر یابند، اگر اندک هم باشد، به دنبال آن تغییری در معادله انبساط جهان و در شکل موجودات جهان خواهد آمد.

2. **مکتب خلقت‌گرایان دین‌مدار از کلمه خلق:** پیروان این مکتب کسانی اند که باوردارند الله تمام موجودات را مستقیماً خلق نموده است. این گروه نظریه انفجار بزرگ و تکامل بیولوژیکی را انکار نمودند. این مکتب امتداد نظریه کلیسا و دانشمندان لاهوتی می‌باشد.

3 مکتب و یا جریان طراحی هوشمند (تصمیم‌گیری هوشمند) Intelligent Design Movement: پیروان این مکتب قایل به ناتوانی نظریه تصادف از تفسیر مسئله پیدایش جهان و حیات اند. این‌ها می‌گویند زندگی بالای زمین و پیدایش جهان امکان‌پذیر نیست، مگر پس از تنظیم دقیق و معیاردهی با معیارات بسیار دقیق از سوی یک تصمیم‌گیرنده بسیار هوشمند، برای مجموعه‌ای بزرگی از ثابت‌های فیزیکی اساسی؛ طوری که اگر در این معیارها و در برخی از آن‌ها اختلالی وجود می‌داشت، حتی اگر این اختلال بسیار اندک هم می‌بود، در نتیجه این نظم کیهانی بوجود نمی‌آمد و امکان نداشت که این انواع گوناگون از عناصر کیمیاوی در قلب ستاره‌ها ایجاد شود. آنان می‌گویند، پس حتماً باید تصمیم‌گیرنده هوشمند (خالقی) وجود داشته باشد که قوانین طبیعت را در آفرینش جهان و ماده حیه و کائنات حیه اولیه به کار گیرد، سپس می‌کانه تکامل و انبساط با جهت‌دهی آن در تغییرات و دیگرگونی‌های کائنات حیه و حتی ظهور انسان شروع به کار می‌افتد. از این مکتب دومکتب دیگر نشأت یافته: مکتب "تصمیم‌گیرنده‌هوشمند و خلقت‌گرایی خالص" و مکتب "تصمیم‌گیرنده هوشمند و تکامل جهت یافته شده".

حامیان مکتب الحادی ماده‌گرا و علم‌گرا در رد مفکوره تصمیم‌گیرنده هوشمند می‌گویند: اگر از این ضابطه بیرون شویم، وجود حیات و نظام کونی به شکل دیگری غیر از شکلی که امروز می‌شناسیم، ناممکن نخواهد بود. دیدگاه مکتب الحادی مادی‌گرا و علم‌گرا که قایل به تصادف می‌باشند، در خصوص پیدایش جهان ذریعۀ انفجار بزرگ و تکامل بیولوژیکی برای مخلوقات حیه، امروز تبدیل به عقیده علمی و در پوهنتون‌ها/دانشگاه‌های غربی تدریس می‌شود؛ طوری که این مفکوره بر علمای مخالفاش با محکوم ساختن آنان به بدعت‌گذاری و با محروم ساختن آنان، اقتدار یافته است.

علمایی که مفهوم خلقت‌گرایی و نظریه طراحی هوشمند را تدریس می‌نمایند، در محاکم مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرند. در همین خصوص در سال‌های (1967 الی 2005م) چندین محاکمه برگزار شده است. به تعداد 10 محاکمه از این قبیل را دو نویسنده "مولین ماتسومورا و لویز مید" در مقاله‌ای که صفحه مرکزی ملی آموزش علوم (National Center For Science) به تاریخ 6/6/2016م در امریکا به نشر رساند، یادآور شدند. عنوان مقاله "ده قضیه بزرگ محکمه شده در خصوص تکامل و خلقت (Ten Major Court Cases about Evolution and Creationism)" بود. در آغاز این قضایا در 1968م اداره عالی محاکم امریکا قانون اساسی را در ارکنساس ملغا ساخت که تدریس نظریۀ تکامل تدریجی را از زاویه دیدگاه داروینی ممنوع قرار داده بود، اما پس از آن محاکمه‌ای برگزار شد که تدریس نظریۀ مکتب خلقت‌گرایان و نظریه مکتب تصمیم‌هوشمند را ممنوع قرار داده و نظریه این دومکتب را مفهوم دینی برشمردند، نه علمی.

بنا براین، آموزش نظریه‌های این دو مکتب در مدارس ممنوع قرار گرفت که مبنی براین دانشمندان زیادی به دلیل رد عقیده پیداش بدون تدبیر قبلی جهان، کائنات حیه و تأیید نظریۀ مکتب خلقت‌گرایان و نظریۀ مکتب تصمیم‌هوشمند، از وظایف شان برکنار شده و متهم به ارهاب فرهنگی شدند. چنان‌چه حکایات برخی از این علماء در 2008م در یک فلم فرهنگی "طردشدگان: به هوشمندی

اجازه داده نمی‌شوند" (Expelled, No Intelligence Allowed) حامیان نظریه مکتب مادی‌گرایانی که قایل به پیدایش بدون تدبیر قبلی جهان اند، به اعطای جوایز، تصدیق نامه‌های علمی، وظایف و ترفیع برای شان حکم شده، برای شان کنفرانس‌ها دائرگردیده، مباحث علمی شان حمایت مادی شده و تولیدات علمی شان در منشورات محاکم نشر می‌شود؛ به علاوه این که برای تأثیرگذاری بالای افکار عامه و نهادینه شدن مفکوره‌شان در بین عوام مردم، امکاناتی را از طریق رسانه‌ها در اختیار شان می‌گذارند. با برگذاری برنامه‌های فرهنگی آموزشی و ساخت فیلم‌های فرهنگی که این نظریه را به عنوان یک حقیقت مسلم ترویج می‌نماید، مانند برنامه‌ها و فیلم‌هایی که مجله ناشیونال ژئوگرافیک امریکائی صادر می‌سازد. همان‌طور از طریق برنامه‌های سرگرمی مانند سریال‌ها و فیلم‌های خیالی علمی که این نظریه را ترویج می‌نمایند.

ارهاب علمی از ماده‌گرایان ملحد منجر به مدغم شدن مکتب خلقت‌گرایان با مکتب تصمیم‌هوشمند با ترجیح تکامل تدریجی شده است، البته زمانی که پدر واتیکان یوحنا بولس دوم در 1969م اعلان نمود که تکامل با کتاب مقدس در تناقض نمی‌باشد، در صورتی که ما ایمان داریم که الله همان کسی است که روح را دمیده است.

این‌ها مناقشات و نظریاتی می‌باشد که در غرب در جریان است و این که موقف مفکرین مسلمان در برابر این افکار و نظریات چیست؟ بحثی است که ما در آینده نزدیک، به آن خواهیم پرداخت. (ادامه دارد...)

برگرفته از شماره 442/441 مجله الوعی

نویسنده: ایمن صلاح - سرزمین مبارک فلسطین

مترجم: محمد علی مطمئن